



## Historical-Narrative Analysis of the Alleged Parallels Between Zipporah (Wife of Prophet Moses) and Aisha (Wife of the Final Prophet)\*

Ali Jadidbonab<sup>۱</sup> and Nematollah Safariforushani<sup>۲</sup> and Abdullah Farrahi<sup>۳</sup>

### Abstract



The examination of similarities drawn between Judaism and Shi'ism holds particular significance from the perspective of historical analysts. Despite its wide-ranging scope, no comprehensive and profound study has yet been conducted in this field. This research addresses one of its pivotal aspects, specifically the question of alleged parallels between Zipporah, the wife of Prophet Moses, and Aisha, the wife of the Final Prophet. This inquiry necessitates a thorough investigation to arrive at a fitting response. It appears that Zipporah was among the women who faithfully believed in the mission of her husband and the prophet of her time. Claims regarding her rebellion against the successor of Prophet Moses and her equivalence to Aisha lack substantiation and demand further detailed exploration. This study was conducted with the aim of understanding Zipporah's role in the life and mission of Prophet Moses and comparing her purported similarities with Aisha. Achieving this goal relies on describing and analyzing Zipporah's actions during Moses's time and examining the dimensions of her alleged parallels with Aisha through the collection of library-based data using a descriptive-analytical approach. The findings highlight Zipporah's positive and impactful role in supporting the mission of Prophet Moses and her lack of rebellion against his successor, given the absence of credible supporting sources. The claims of certain narratives, as they pertain to this subject, are not corroborated by the Quran, Sunni sources, or the Bible. Furthermore, the discontinuity of the chain of narrations asserting such parallels, the lack of identifiable authorship, and the presence of Sunni narrators among sources cited in Kamal al-Din wa Tamam al-Ni'ma further weaken these claims. Consequently, this study concludes that the alleged equivalence lacks solid evidence and remains unverified.

\*. **Date of receiving:** ۴ July ۲۰۲۳, **Date of modification:** ۱۷ December ۲۰۲۳, **Date of approval:** ۳۱ January ۲۰۲۵.

۱. Department of History and Biography, Islamic Sciences Research Institute, Al-Mustafa International University, Qom, Iran, (Corresponding Author) (alijadidbonab@yahoo.com).

۲. Department of History of Ahl al-Bayt (a.s.), Islamic History, Civilization and Sirah Department, Al-Mustafa International University, Qom, Iran; (nematollah\_safariforushani@miu.ac.ir).

۳. Department of Islamic History, University of Islamic Denominations, Tehran, Iran; (farrahi@mazaheb.ac.ir).



جامعة المصطفى العالمية  
Al-Mustafa International University  
مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث

Journal of Comparative Hadith Sciences, Autumn and Winter ٢٠٢٥, ١١ (٢١), P: ٣٧٧-٤٠٤  
Historical-Narrative Analysis of the Alleged Parallels Between Zipporah (Wife of Prophet Moses)  
and Aisha (Wife of the Final Prophet)  
Mehdi Zabihî et al

**Keywords:** Prophet Moses, Zipporah/Safura, Aisha, Hazrat Ali, Joshua bin Nun.



## تحلیل تاریخی روایی همسان‌پنداری صفورا (همسر حضرت موسی ع) و عایشه (همسر پیامبر خاتم ص)\*

علی جدیدبناب<sup>۱</sup> و نعمت الله صفری فروشانی<sup>۲</sup> و عبدالله فرهی<sup>۳</sup>



### چکیده

کندوکاو در مقوله مشابهت‌پنداری یهود و تشیع، از منظر تحلیل‌گران تاریخی، از اهمیت خاصی برخوردار است. اما با وجود گستردگی آن، تحقیقی ژرف و یکپارچه در این عرصه صورت نگرفته است. در این پژوهش به یکی از موارد مهم آن پرداخته شده است؛ بنابراین پرسش از تشابهات صفورا همسر حضرت موسی \* با عایشه همسر پیامبر خاتم | بوده است، که نیازمند کاویدن تا مرحله پاسخی درخور است. به نظر می‌رسد صفورا در زمره زنان مؤمن به رسالت همسر و پیامبر زمان خویش بوده و ادعای شورش علیه وصی حضرت موسی \* و نیز همسانی با عایشه مستند نبوده و به پشتوانه علم اجمالی، نیاز به تتبع و تبیین تفصیلی آن دارد. این پژوهش با انگیزه شناخت نقش صفورا در زندگی و رسالت حضرت موسی و مقایسه تشابه آن با عایشه انجام گرفته است. نیل به این مقصد در سایه توصیف و تبیین عملکرد صفورا در زمان حضرت موسی و وجوه شباهت صفورا با عایشه، با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی تحلیلی میسر است. نتیجه آن، تبیین نقش مؤثر و مثبت صفورا در تداوم رسالت حضرت موسی \* و عدم شورش علیه جانشین وی به جهت مستند نبودن منابع استنادی است. به دلیل عدم تأیید مدعای روایات در قرآن کریم، منابع اهل سنت و عهدین، و حذف سلسله روایات در اثبات الوصیه و حتی نامشخص بودن مؤلف آن و با وجود بیان سلسله روایان در کمال الدین و تمام النعمة، نقصان رجال شیعی و از رجال سنی بودن روایان، این ادعا تأیید نشده است.

واژگان کلیدی: حضرت موسی \*، صفورا، عایشه، حضرت علی \*، یوشع بن نون.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۳، تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲.

۱. گروه تاریخ و سیره، پژوهشکده علوم اسلامی، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی، قم، ایران؛ «نویسنده مسئول»؛ (alijadidbonab@yahoo.com).

۲. گروه تاریخ اهل بیت ع، مجتمع تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران؛ (nematollah\_safaniforushani@miu.ac.ir).

۳. گروه تاریخ اسلام، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران؛ (farrahi@mazaheb.ac.ir).

## مقدمه

واکاوی نقش زنان پیامبران در اعصار مختلف از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و چشم‌اندازی از تأثیرگذاری آنان در هر عصر را نمایان می‌سازد. این پژوهش درصدد بررسی همسانی‌های صفورا، همسر حضرت موسی  $\times$ ، با عایشه، همسر پیامبر خاتم است. پرسش‌های اصلی شامل موارد زیر است: منابع و مستندات جهت اثبات تشابهات صفورا و عایشه چیست؟ نقد و تحلیل این مستندات به چه صورت است؟ تشابهات صفورا و عایشه شامل چه مواردی می‌شود و چگونه می‌توان به تحلیل و ارزیابی آنها پرداخت؟

برای پاسخ به این سوالات، از منابع و مستندات موجود بهره گرفته شده تا امکان تبیین ارزیابی تشابهات صفورا و عایشه در منابع معتبر میسر گردد. یکی از موارد تشابه صفورا و عایشه، درگیری و جنگ هر دو با جانشین و وصی پیامبر عصر خود بوده است. اما منابع و مستندات یهودی و اسلامی جهت اثبات درگیری صفورا با یوشع بن نون، وصی و جانشین حضرت موسی  $\times$ ، کافی نبوده و با چالش جدی مواجه گردیده است. به همین منظور، مستندات مختلف از جمله قرآن، عهدین، روایات تاریخی موجود در منابع شیعه و اهل سنت، مورد بررسی، نقد و ارزیابی قرار گرفته‌اند.

با توجه به اینکه این موضوع بدیع است، پژوهشی در قالب کتاب، مقاله یا رساله به صورت مستقیم نگاشته نشده است. هرچند به صورت غیرمستقیم نکاتی در رابطه با صفورا یا عایشه و یا هر دو در برخی منابع روایی و تاریخی آمده است، اما این روایات هم از حیث منبع و هم از حیث سند قابل نقد، تحلیل و بررسی است و از منظر تحلیل‌گران تاریخی و روایی دارای اشکالات متعدد می‌باشد که در جای خود مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. این تحقیق علاوه بر توجه به موضوع اختصاصی هم‌سانی صفورا و عایشه، به برخی از مصادیق عینی مشابهت در این زمینه، از جمله جنگ و درگیری هر دو همسر با وصی و جانشین پیامبران عصر خود، پرداخته و از حیث اسنادی و روایی مورد کنکاش قرار گرفته است. همچنین تناقضات میان قرآن و روایات وارد شده در این زمینه بررسی می‌شود.

در تحقیق حاضر، پس از بیان مقدمه، نگرشی اجمالی به واژه‌شناسی شده است. سپس با توجه به موضوع بحث، صفورا از نگاه قرآن و عهدین بررسی شده، واکاوی روایی از منظر پیامبر انجام گرفته و پژوهشی نسبت به یوشع بن نون پس از رحلت حضرت موسی  $\times$  صورت گرفته است. در ادامه، به بررسی تشابهات صفورا و عایشه پرداخته شده و در نهایت نقد و بررسی روایی روایات مربوط به صفورا و عایشه در منابع شکل گرفته است.



## واژه‌شناسی

صفورا، دختر حضرت شعیب و همسر حضرت موسی  $\times$  است که در مقابل هشت سال شبانی برای شعیب، به ازدواج با او درآمد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۸۴/۱). در تعریف و تبیین صفورا چنین آمده است: «صفورا در زبان عبری (زیپوره) به معنی گنجشک ماده است. در زبان انگلیسی به صورت (Sephora) و همچنین نام او به صورت‌های صپوره، صفوره و زفرع نیز ذکر شده است». بنا به روایت تورات، صفورا «دختر حباب یا رعوثیل یا جثرو کاهن مدین است. با استناد به تورات، صفورا و پدرش از قبیله قینی بودند. صفورا به پدرش پیشنهاد کرد که موسی را برای خدمت شبانی بگیرند و حوآب دخترش صفورا را به موسی پسر عمران تزویج کرد» (تورات، سفر خروج، فصل ۲، آیه ۱۶).

## صفورا در قرآن

صفورا یکی از الگوهای برجسته برای زنان عصر خویش معرفی شده است. صفورا از جمله زنان مقدسی است که از ایشان به نیکی یاد شده است. قرآن در آیاتی، صفورا، همسر حضرت موسی و خواهرش را الگوی زنان عصر خویش معرفی کرده و این دورا مظهر حیا و عفت می‌نامد:  $\Pi$  فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ مَا تَخَفْتِ نَجْوَتْ مِنَ الظَّالِمِينَ  $\circ$  (قصص: ۲۸).

موسی هنوز لب از دعا نبسته بود که دید یکی از آن دو دختر که با کمال وقار و حیا راه می‌رفت، باز آمد و گفت: پدرم از تو دعوت می‌کند تا در عوض سقایت و سیراب کردن گوسفندان ما به تو پاداشی دهد. چون موسی نزد او (یعنی شعیب، پدر آن دختر) رسید و سرگذشت خود را بر او حکایت کرد، شعیب گفت: اینک هیچ مترس که از شر قوم ستمکار نجات یافتی.

البته در قرآن، به نام صفورا تصریح نشده است، اما بر اساس آنچه در قرآن آمده است:  $\Pi$  قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ  $\circ$  (قصص: ۲۶). یکی از آن دو دختر (صفورا) گفت: ای پدر این مرد را (که به شجاعت و امانت آراسته است) به خدمت خود اجیر کن، که بهترین کسی که باید به خدمت برگزینی، کسی است که توانا و امین باشد.

بر اساس آنچه در قرآن آمده است، موسی گوسفندان دختران شعیب را آب داد و سپس به سایه‌ای پیش رفت تا در آن جا بیاساید. آن‌گاه به دعوت شعیب، به خانه او رفت و داستان زندگی خود را برای شعیب حکایت کرد. دختر شعیب، از پدر خواست که موسی را به خدمت بگیرد. شعیب دخترش را برای همسری به موسی پیشنهاد کرد و حضرت موسی  $\times$  بعد از این واقعه، با پذیرش درخواست حضرت شعیب، یکی از دختران حضرت شعیب را به همسری برگزید.

دختر شعیب، در نزد مسلمانان نیز زنی صالح و باعفت است (عاطف الزین، ۱۳۸۰).



## صفورا در عهدین

صفورا یا صیورا به عبری، دختر ییترو (حضرت شعیب) و همسر حضرت موسی کلیم الله می باشد (سفر خروج، فصل ۲، آیات ۱۶-۲۲).

بنا به روایت تورات، صفورا «دختر حباب یا رعوثیل یا جثرو کاهن مدین است. با استناد به تورات، صفورا و پدرش از قبیله قینی بوده اند. صفورا به پدرش پیشنهاد کرد که موسی را برای خدمت شبانی بگیرند و حباب دخترش صفورا را به موسی پسر عمران تزویج کرد» (تورات، سفر خروج، فصل ۲، آیه ۱۶).  
«صفورا برای موسی دو پسر به نام های گر شوم و الیصر (الی عزرا) زایید» (تورات، سفر خروج، فصل ۱۸، آیه ۴). تنها واقعه ای که در زندگی او ثبت شده، در رابطه با ختنه گرشوم می باشد (تورات، سفر خروج، فصل ۴، آیه ۲۶).

## صفورا در روایت پیامبر خاتم و اهل بیت<sup>۸</sup>

در این زمینه، در روایتی عبدالله بن مسعود چنین نقل می کند:

به پیامبر | عرض کردم: یا رسول الله | هرگاه از دنیا رحلت کردی، چه کسی شما را غسل می دهد؟ فرمود: هر پیغمبری را وصی او غسل می دهد. عرض کردم: یا رسول الله | وصی شما کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. عرض کردم: یا رسول الله | پس از شما چه مدت زندگی می کند؟ فرمود: سی سال، همانند یوشع بن نون که وصی حضرت موسی بود. او بعد از موسی نیز سی سال زندگی کرد و صفورا، همسر حضرت موسی، دختر شعیب پیامبر، بر یوشع بن نون خروج کرد و گفت: من از تو به امر پیشوایی و رهبری سزاوارترم. پس یوشع با وی جنگید و به خوبی با وی کارزار کرد و اسیرش نمود و در حال اسیری به نیکی با وی رفتار کرد.

دختر ابی بکر (عایشه) با چندین هزار نفر از امت من بر علی بن ابی طالب خروج خواهد کرد و علی لشکر او را شکست خواهد داد و او را اسیر خواهد نمود و بعد از اسیر کردن او را مورد احترام قرار می دهد و در باره او نازل شد این آیه که خداوند خطاب به زنان پیامبر فرمود: II وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى O (احزاب: ۳۳)؛ «در خانه های خود قرار گیرید و از خانه ها به در نیایید، مانند بیرون آمدن جاهلیت اول». بعد پیامبر فرمودند: «جاهلیت اول، بیرون آمدن صفورا دختر شعیب بود برای جنگ با یوشع بن نون» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ۲۷).

با توجه به اینکه برخی از راویان نقل شده توسط ابن بابویه در سندیت حدیث خدشه دار هستند، نمی توان به این احادیث استناد کرد. از جمله این راویان، ابن حمید است که برخی از عالمان جرح و



تعدیل همچون نسائی و جوزجانی او را تضعیف کرده‌اند. نسائی گفته است که ابن حمید ثقه نیست و جوزجانی او را غیر مطمئن و دارای مذهب پست معرفی کرده است. بنابراین در سلسله اسناد، این حدیث ضعیف محسوب شده و نمی‌توان به آن اعتماد کرد (مزی، ۱۴۰۰: ۱۹۸۰، ۱۰۲/۲۵).

از حضرت امام باقر  $\times$  روایت شده است: «زن موسی  $\times$  بر یوشع بن نون خروج کرد و بر زرافه سوار شده بود که آن جانوری است شبیه به شتر و گاو و پلنگ و آن را اشتر گاو پلنگ می‌گویند. در اول روز صفراء (صفورا) غالب بود و در آخر روز یوشع. بعضی از حاضران گفتند او را سیاست کند. یوشع فرمود: چون موسی کنار او خوابیده است، من حرمت آن حضرت را در حق او رعایت می‌کنم و انتقامش را به خدا می‌سپارم» (مجلسی، ۱۳۸۴: ۳۰۰/۱). نظیر آنچه در جنگ جمل توسط عایشه همسر پیامبر خدا بر علیه امیرالمومنین اتفاق افتاد (مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۴۲۶، ۶۵-۶۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶۷/۱۳-۳۶۸).

بر اساس روایت مشهور: «موسی  $\times$  در وادی تیه از دنیا رفت و پس از وفات او، نبوت به وصی آن حضرت یوشع بن نون که از اولاد افرائیم بن یوسف بود منتقل شد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷۲/۱۳). چنانچه در روایتی چنین آمده است: «حضرت موسی در مرگ هارون گریبان پاره کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶۴/۱۳). پیش از وفات حضرت موسی  $\times$ ، حضرت یوشع بن نون طبق وصیت حضرت، وصی موسی گردید و الواح مقدس که احکام الهی در آن نگاشته شده بود، به همراه زره و دیگر امانت‌ها به یوشع بن نون سپرده شد.

بر اساس نقل بحار: «پس از وفات حضرت موسی  $\times$  در تیه، یوشع بن نون بن افرائیم بن یوسف بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم به امر الهی بر بنی اسرائیل مبعوث گردید و حمله به سرزمین اریحا طبق فرمان الهی انجام گرفت» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷۲/۱۳-۳۷۳).

بر اساس روایتی از مسعودی: «همان طوری که عایشه علیه وصی پیامبر خاتم قیام کرد و جنگ جمل را ترتیب داد، صفورا نیز علیه یوشع بن نون قیام کرد و افرادی را علیه وی شوراند. جنگ از اول روز تا قبل از ظهر به نفع صفورا بود و بعد از آن تا آخر روز به نفع حضرت یوشع تا بر آنها پیروز شد. بعضی از کسانی که با یوشع بودند به قتل صفورا اشاره کردند. ولی یوشع  $\times$  قبول نکرد و فرمود: حضرت موسی مرا از جریان صفورا و خروج او مطلع کرد و به من دستور داد که صفورا را نیکو حفظ و حراست کنم. لذا آن حضرت چند زن را صورت‌بند زد و به شکل مردان نمود و آنها را سوار بر اسب کرد. همین که صفورا در آن مکان آمد، دید که زن‌ها و مردها در آنجا جمع شده‌اند. وقتی که صفورا آن منظره را دید، گفت: یوشع بن نون مرا اسیر کرده و مردان را با من فرستاده و تا این مکان برای من محرمی در بین آنها



وجود ندارد. پس آن زنان صورت‌بند خود را برداشتند تا بنی اسرائیل به آنها نظر کنند و صفورا را تکذیب نمودند» (مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۴۲۶، ۶۶؛ مسعودی، بی تا، ۱۰۸).

این روایت نیز از دو جهت دارای خدشه است: اولاً سلسله راویان در روایات منقول از کتاب «اثبات الوصیة» مسعودی به جهت عدم وجود روایات و یا از هم گسستگی آنها، به مورد اعتماد بودن روایت خدشه وارد می‌کند. ثانیاً خود اثبات الوصیة هم گنگ و مجهول است که به کدام مسعودی منسوب است و در هر صورت از مواردی که به قطعیت نمی‌توان بدان استناد کرد. بنابراین، روایت از دو جنبه متفاوت، از وثاقت ساقط می‌شود و نمی‌توان بدان استناد نمود.

در منابع دیگر از جمله ریاحین الشریعة و حیوة القلوب چنین آمده است: «صفورا با اینکه دختر پیامبر و همسر پیامبر بود، بعدها بر اثر هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی از جاده مستقیم هدایت منحرف شده و بعد از وفات حضرت موسی **X** با وصی و خلیفه آن حضرت، [یوشع بن نون] به مبارزه برخاست و به همراهی منافقان بنی اسرائیل علیه یوشع خروج کرد. اما یوشع بن نون بر آنان غلبه کرد، عده‌ای از آنان کشته شدند و عده‌ای گریختند و صفورا دختر شعیب اسیر شد. اطرافیان گفتند که: ای وصی پیامبر! این زن را مجازات کن! اما او به صفورا گفت: که در دنیا تو را عفو کردم و در روز قیامت در حضور حضرت موسی **X** از تو و همراهانت شکایت خواهم کرد. صفورا با اظهار شرمندگی گفت: وایلا! به خدا سوگند! اگر خداوند بهشت را برای من مباح کند که داخل شوم البته که شرم خواهم کرد که در آنجا پیامبر خدا را بینم، در حالی که پرده او را دریده و بر وصی او خروج کرده‌ام» (مجلسی، ۱۳۸۴: ۳۰۱/۱؛ محلاتی، ۱۴۰۶: ۲۹۴/۵).

### یوشع بن نون پس از حضرت موسی **X**

مطابق با روایات، حضرت موسی **X** پیش از وفات، حضرت یوشع را وصی خویش قرار داد (تفسیر العیاشی، ۲: ۳۳۰). الواح مقدسی که بر او نازل شده بود، به همراه زره و علامت‌های نبوت در صندوقی که مادرش او را در آن گذاشته بود و در دریا رها کرده بود، به یوشع سپرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳۹/۱۳). یوشع پس از موسی **X** مدت سی سال در قید حیات بوده و در به سامان رساندن امور بنی اسرائیل تلاش وافر نمود. بنی اسرائیل به فرماندهی وی جنگ عمالقه را انجام دادند که منجر به فتح سرزمین فلسطین و شهر اریحا شد (یوشع بن نون، دائرة المعارف طهور، بازیابی: ۲ مرداد ۱۳۹۷).

مطابق با روایتی: «از جمله کسانی که بر ضد او قیام کردند، صفورا همسر موسی بود که جمعی از بنی اسرائیل را با خود همراه کرد و به جنگ یوشع آمد ولی شکست خورد و اسیر گردید. اما یوشع با کمال بزرگواری با او رفتار کرد و او را به خانه خود بازگرداند» (راوندی، ۱۴۳۰: ۱۷۹/۱؛ مجلسی،





۱۴۰۳: ۳۶۶/۱۳). طبق استنباط همسان‌پنداران، مشابه همین اتفاق در جنگ جمل رخ داد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶۸-۳۶۷/۱۳ و ر.ک. به: سید هاشم رسولی محلاتی، تاریخ انبیاء).  
در رابطه با روایت مربوط به صفورا، نسبت به موافقت یا مخالفت، نکته‌ای در موافقت با روایت وجود ندارد و بیان ایجابیات قرآنی درباره همسر حضرت موسی \* نیز در مخالفت با محتوای روایت است. از طرف دیگر، منابع مذکور از منابع متأخر و دست دوم بوده و نمی‌توان به آنها استناد کرد. بنابراین وثاقت روایت از اعتبار ساقط می‌شود، مگر اینکه معیار و دلیل معتبر دیگری بیان شود.  
در روایتی از امام علی \* آمده است که ذوالکفل در آیه II وَادُّكُرُ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ (ص: ۴۸) یوشع بن نون است (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۱/۲۴۵). یوشع مورد اعتماد و تأیید موسی \* بوده چراکه همیشه ملازم و همراه موسی بود. در امر وصایت و خلافت، جانشین و وصی باید مورد اعتماد وصیت‌کننده باشد. نتیجه اینکه یوشع بن نون وصی حضرت موسی بود. او مدت ۱۲۶ سال عمر کرد و در سن ۹۷ سالگی به وصایت و پیامبری رسید. او از سبط یوسف بن یعقوب بود و قبر او را در کوه افرائیم در کشور فلسطین ذکر کرده‌اند (طبری، ۱۳۸۷: ۱/۴۴۲).  
با توجه به اینکه در سلسله اسناد طبری، ابن حمید هم موجود است و در این راستا برخی از عالمان جرح و تعدیل همچون نسائی و جوزجانی او را تضعیف کرده‌اند، تا جایی که نسائی، ابن حمید را ثقه ندانسته و جوزجانی او را غیر مطمئن و دارای مذهب پست معرفی کرده است، بنابراین در سلسله اسناد، این حدیث ضعیف محسوب شده و نمی‌توان به آن اعتماد کرد (مزی، ۱۴۰۰ - ۱۹۸۰، ۱۰۲/۲۵).

## بررسی تشابهات<sup>۱</sup> صفورا با عایشه و یوشع نبی با حضرت علی \*

### ۱. شباهات صفورا با عایشه

صفورا، همسر حضرت موسی \*، دختر شعیب پیامبر بود. همان دختر عقیفه‌ای که با خواهرش چوپانی می‌کرد. هنگامی که حضرت موسی در جریان میانجیگری در دعوی به دفاع از مظلوم پرداخت و جوان شروری را با مشت کشت و در دعوی دیگری به رفتار جوان ماجراجویی اعتراض (نهی از منکر)

۱. درباره کلمه صفورا جستجویی در منابع شیعه و سنی انجام شد که از جمله کارهای صورت گرفته به این شرح است: ۱- جستجو در مکتبه الشامله: نرم افزاری که منابع اهل سنت را در موضوعات مختلف دارد مورد کاوش قرار گرفت و کلمه‌ای تحت عنوان صفورا یافت نگردید. ۲- جستجو در نور السیره: در نرم افزار نورالسیره که از منابعی است که اغلب منابع تاریخی اعم از شیعه و سنی را دارد که در این نرم افزار هشت مورد با عنوان «صفوره بنت شعیب» یا «صفورا ابنه یثرون» یافت گردید که منظور از یثرون همان شعیب نبی است (طبری، ۱۳۸۷: ۱/۳۸۶)، ولی به موضوع مورد نظر ما که قیام صفورا بر علیه یوشع بن نون باشد، پرداخته نشده است. در منابع روایی شیعه از جمله: حیوة القلوب، ریاحین الشریعة و اثبات الوصیة مسعودی نیز این موضوع به تفصیل آمده است، ولی مجلسی و محلاتی تقریباً از قرون اخیرند ولی مسعودی از متقدمین و در قرن چهارم بوده است. مسعودی این قضیه را به طور مبسوط آورده است ولی اینکه مسعودی از چه منبعی نقل نموده است، معلوم نیست و این بسی جای تامل است.



کرد و مورد تهدید قرار گرفت، حکم قتل او توسط دستگاه قضایی فرعون صادر شد. موسی هنگام فرار از مصر به مدین رسید و اطراف چشمه‌ای استراحت می‌کرد. چوپانان گله‌های خود را برای آب دادن آورده بودند و دو دختر منتظر بودند که گوسفندانشان را سیراب کنند، اما قلدری چوپانان به آنها اجازه نزدیک شدن به چاه آب را نمی‌داد. موسی این صحنه را دید و گوسفندان آنها را سیراب کرد. آنها این خبر را به پدرشان گزارش دادند و در این گزارش، صفورا چنان با حرارت توضیح می‌داد که پدر را به تأمل واداشت. پدر به دخترش گفت: برو به او بگو بیاید تا مزدش را بدهم. سرانجام موسی داماد سرخانه شعیب شد. موسی بعد از ۱۰ سال زندگی در خانه شعیب با همسرش به مصر بازگشت. این سفر دو حادثه خوشایند در پی داشت: ۱. پدر شدن حضرت موسی؛ ۲. به رسالت رسیدن حضرت موسی در طور سینا.

اما آنچه که در این برهه تاریخی قابل توجه است، فتنه اریحا به فرماندهی صفورا و به رهبری منافقین بود. صفورا، همسر موسی، اجتماعی، سخنور و آگاه به اوضاع زمانه بود، اما نمی‌دانست که منافقین همیشه در کمین‌اند. منزل حضرت موسی در شهر اریحا واقع بود. بعد از درگذشت حضرت موسی<sup>\*</sup>، صفورا به تحریک منافقان یهود، جنگی علیه یوشع بن نون، وصی حضرت موسی<sup>\*</sup>، به راه انداخت. نحوه تحریک منافقین به این شکل بود که بعد از رحلت موسی نبی، منافقین به نزد صفورا آمدند و گفتند: «تورازدار خانه رسالت بودی، همه زحمات موسی روی دوش تو بوده، آن وقت یک بیگانه، یوشع، بیاید جانشین موسی شود، چرا تو و پسرت نباشید؟!» صفورا هم انگار دنبال چنین فرصتی بود که زود متحد شدند و علیه وصی موسی قیام کردند. لشکری فراهم کردند. بسیاری از مؤمنین به احترام پیامبرشان و بیت آن حضرت، لبیک گفتند و صفورا را در کجاوه‌ای قرار دادند. به فرماندهی وی و خودشان (منافقین) در سایه، فرماندهی کردند. دو طایفه از اصحاب موسی مقابل هم قرار گرفتند و علیه هم شمشیر کشیدند. صفورا، در محاصره محافظانش، نزد یوشع<sup>\*</sup> رسید. یوشع بن نون<sup>\*</sup>، به صفورا نگاهی انداخت. خاطرات فداکاری موسی و خانواده‌اش جلوی چشمش رژه می‌رفت. یوشع از دوستان و معتمدین حضرت موسی بود و روابط خانوادگی داشتند (مسعودی، ۱۳۸۴: ۶۶).

با توجه به اینکه اولاً در وجود خود مسعودی تردید حاصل شده است که کدام مسعودی مراد است و ثانیاً سلسله روایان کتاب مسعودی از هم گسسته و مفقود است، بنابراین نمی‌توان روایات مربوط به صفورا در اثبات الوصیه را به تنهایی معتبر دانست.

بر اساس روایتی از شیخ صدوق: «دو تن از منافقان قوم موسی، صفورا، دختر شعیب، همسر موسی را به شورش واداشتند و به همراهی صد هزار نفر، به جنگ یوشع بن نون آمدند و او با ایشان جنگید و بسیاری از آنها کشته شدند و بقیه، به اذن خدای تعالی، گریختند و صفورا، دختر شعیب، اسیر شد...»



(ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۵۴/۱-۵۵). یوشع \* به صفورا گفت: «در دنیا از تو گذشتم تا [در آخرت] موسای نبی \* را ملاقات کنم و از تو و قومت به او شکایت می‌کنم» (همان، ۳۰۵/۱). صفورا متأثر شد، تنش لرزید و گفت: «به خدا اگر بهشت را به من ارزانی کنند، شرمم می‌آید که پیامبر خدا را در آن حال ملاقات کنم؛ چرا که حرمت او را هتک کرده‌ام و بر جان‌شین او شوریده‌ام» (همان، ۳۰۵/۱). حادثه‌ای که می‌رفت به فتنه‌ای خانمان‌برانداز تبدیل شود، با درایت یوشع با کمترین تلفات جمع شد. وقایع رخ داده در جمل به فرماندهی عایشه و به رهبری طلحه و زبیر به قضیه شورش صفورا علیه یوشع شباهت دارد. چنان‌که در روایت آمده است: «دختر ابوبکر نیز به زودی بر علی بشورد و در میان چند هزار نفر از امتم به جنگ او آید و علی نیز با او بجنگد و هم‌زمانش را بکشد و او را اسیر کند و با وی خوش‌رفتاری نماید. درباره‌ی عایشه خدای تعالی فرموده است: «در خانه‌های خود بمانید و همانند دوران جاهلیت اول، خودنمایی نکنید» که مقصود از آن (جاهلیت اول)، صفورا دختر شعیب است» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۳۰۵/۱). البته در منابع اهل سنت نیز به نقل عایشه در جنگ جمل پرداخته شده است (احمد بن حنبل، ۳۹۳/۶؛ الهیثمی، ۱۴۰۷: ۲۳۴/۷؛ ابن عبدربه، ۱۴۰۴: ۳۰۵/۴).

از موارد تنزیل اعتبار و وثاقت در روایات ابن بابویه در مورد صفورا، وجود برخی راویان مخدوش در سلسله اسناد روایت است که از جمله آنها عبد الملک بن هارون بن عنترة است که به دجال و کذاب و حدیث ساز توصیف شده است (ذهبی، میزان الاعتدال، ۱۵۴/۲؛ ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ۷۱/۴؛ الصدیقی الهندی، تذکرة الموضوعات، ۸۴؛ سیوطی، اللآلی المصنوعة، ۱: ۱۲۸ و ۴۶۰ و ۲: ۳۹ و ۶۰).

## ۲. شباهت زندگی حضرت علی با زندگی یوشع

حضرت موسی \* یکی از انبیاء بزرگ و از پیامبران اولوالعزم به شمار می‌رود. او پسر عمران، پسر سیصهر، پسر تاهث، پسر لاوی، پسر یعقوب است. نام مادرش یوکابد یا در برخی تواریخ، یوخایید ذکر شده است. بنابر روایتی که از امام حسن مجتبی \* نقل شده، حضرت موسی ۲۴۰ سال زندگی کرد و در پایان عمرش همانند سایر پیامبران و انبیاء الهی، امر مهم خلافت و جانشینی را ترک نکرد و حضرت یوشع بن نون را به عنوان وصی و جانشین خود تعیین نمود.

۱. ابوالنضر محمد بن مسعود بن عیاش السمرقندی (متولد ۳۲۰ قمری) در تفسیر خود از امام باقر \* نقل می‌کند که رسول خدا | در غدیر خم پس از اعلان ولایت و رهبری علی بن ابی‌طالب \* چنین فرمود: «فانه منی و انا منه و هو منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی؛ او -علی- از من



است و من از او هستم و او نسبت به من مانند نسبت هارون به موسی است؛ جز اینکه پس از من هیچ پیامبری نیست» (العسگری X، ۱۴۰۹: ۲۵۱؛ العیاشی، ۱۳۸۰: ۳۳۲/۱).

۲. شیخ صدوق از امام علی X نقل می‌کند که حضرت رسول خدا فرمود: «یا علی انت منی بمنزلة هارون من موسی غیر انه لا نبی بعدی؛ یا علی! مثل تو نسبت به من مانند مثل هارون نسبت به موسی است، جز اینکه پس از من پیامبری نیست» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲۷).

طبق روایت کلینی: «یوشع بن نون، فرزندان هارون را وصی و خلیفه خود گردانید و به فرزندان خود و موسی مسئولیتی نداد، زیرا که تعیین خلیفه و امام از جانب خداست و کسی را در آن اختیاری نیست» (کلینی، ۱۳۸۷: ۲۹۳/۱).

### ۳. شباهت همسر حضرت محمد با همسر حضرت موسی از منظری دیگر

صفورا، دختر شعیب و همسر موسی X، بر یوشع بن نون خروج کرد و با او مخالفت نمود. او ادعا کرد که برای جانشینی موسی از یوشع سزاوارتر است. یوشع با لشکر صفورا جنگید و او را شکست داد و اسیر کرد. پس از اسارت، با او به نیکی رفتار کرد. در حدیثی از ابن بابویه آمده است: «دختر ابوبکر، عایشه، با چندین هزار نفر از امت من بر علی بن ابی طالب خروج خواهد کرد و علی لشکر او را شکست خواهد داد و او را اسیر خواهد نمود. جاهلیت اول، بیرون آمدن صفورا دختر شعیب بود برای جنگ با یوشع بن نون» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲۷).

با توجه به اینکه یکی از معیارهای اساسی در نقد محتوای حدیث، موافقت یا مخالفت آن با آیات قرآن کریم است و آیات قرآن فقط به خصوصیات ایجابی صفورا پرداخته و نسبت به موارد سلبی وی، کمترین نکته‌ای در قرآن بیان نشده است، بنابراین جنبه ظنی بودن و غیرتقه بودن روایت را تقویت می‌کند.

### نقد و بررسی روایات شیعه مربوط به صفورا و عایشه

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در منابع روایی شیعه از جمله: «حیوة القلوب»، «ریاحین الشریعة»، «کمال الدین و تمام النعمة» ابن بابویه و «اثبات الوصیة» مسعودی، موضوع مربوط به صفورا در این چهار منبع بیان شده است. مرحوم مجلسی، صاحب «بحارالانوار» و محلاتی، صاحب «ریاحین الشریعة»، از قرون اخیر محسوب می‌شوند؛ بنابراین جزء مآخذ ثانویه خواهند بود. منابع قدیمی و دست اول، در واقع «کمال الدین و تمام النعمة» و «اثبات الوصیة» محسوب می‌شوند که از متقدمین و مربوط به قرن چهارم هستند. در این فرصت، لازم است هر دو منبع مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا نسبت به سندیت این روایت بتوان قضاوت کرد.



اثبات الوصیة کتابی است که با موضوع وصایت امامان معصوم<sup>۸</sup> نگاشته شده است. برای اولین بار این کتاب در عصر حیات نجاشی، از مشهورترین علمای رجال اوایل قرن پنجم هجری، به مسعودی، صاحب کتاب «مروج الذهب»، نسبت داده شده است. در اینکه «مروج الذهب» منسوب به مسعودی است، تردیدی نیست؛ ولی نسبت به «اثبات الوصیة»، جای تأمل است. علت آن تفاوت این دو کتاب در سبک نگارش، روش تدوین، مشایخ و راویان است، که باعث شده انتساب «اثبات الوصیة» به مسعودی مورد تردید قرار گیرد. سلسله نسب مسعودی تحت عنوان «علی بن حسین بن علی بن عبدالله بن زید بن عتبة بن عبدالله بن عبدالرحمن بن عبدالله بن مسعود» (اندلسی، بی تا: ۱۹۷) بیان شده است. تولد وی در اواخر قرن سوم هجری قمری، در بابل عراق بوده است (مسعودی، ۱۴۱۶: ۶۵/۲). مصاحبت ایشان با قاطبه علمای معاصر خویش مورد تایید است و علم آموزی و نقل روایت وی از آنان بیان شده است (حمود، ۱۹۸۴: ۳۵-۴۵). مسعودی در «مروج الذهب» و «التنبیه و الاشراف»، اسامی ۳۴ مورد از آثار خویش را آورده که با اضافه شدن این دو مورد به ۳۶ عنوان می‌رسد (حائری، ۱۴۱۶: ۳۹۰/۴؛ قمی، بی تا: ۲۲۷).

یکی از کاستی‌ها در این زمینه، بررسی‌های تطبیقی نسبت به اینکه «اثبات الوصیة» به مسعودی منتسب بوده است یا نه. البته پژوهش‌های انجام‌یافته توسط متقدمان و متأخران نسبت به این انتساب، گویای این حقیقت است که در این راستا، تحقیقات جداگانه‌ای به رشته تحریر درآمده است و در مجموع چنین برمی‌آید که عده‌ای موافق و برخی دیگر مخالف این انتساب هستند. از موافقین انتساب عبارتند از: رجال نجاشی، خلاصه علامه حلی، حاشیه بر خلاصه شهید ثانی، بحارالانوار علامه مجلسی، مجمع الرجال عنایة الله علی القهپایی، تنقیح المقال مامقانی، الوجیزه علامه مجلسی، امل الآمل شیخ حر عاملی و الذریعة الی تصانیف الشیعة شیخ آغا بزرگ. مخالفین انتساب «اثبات الوصیة» به مسعودی عبارتند از: جواد علی در «تاریخ المسعودی»، هادی حسین حمود در «منهج المسعودی» و مقاله «اثبات الوصیة مسعودی، صاحب مروج الذهب» از محمد جواد شبیری زنجانی (قاریان و جباری، ۱۳۹۴: ۱۵۰-۱۵۱).

مخالفین انتساب «اثبات الوصیة» به مسعودی، صاحب «مروج الذهب»، بر این باورند که:

الف) «اثبات الوصیة» از جهت اسلوب، انشاء، طریقه تألیف، اساتید و راویان، با کتاب‌های دیگر مسعودی متفاوت است. همچنین، جوادعلی بیان می‌دارد که این کتاب متعلق به نگارنده و مؤلف دیگری است (حمود، ۱۹۸۴: ۸۷).



ب) در «منهج المسعودی» ذیل بحث «العقائد و الفرق الدینیة» چنین آمده است: «اثبات الوصیة به شکل فعلی، نمی تواند از تألیفات مسعودی صاحب «مروج الذهب» باشد و این احتمال نیز وارد است که مؤلف کتاب «اثبات الوصیة»، مجهول بوده و به اشتباه آن را به صاحب «مروج الذهب» نسبت داده اند» (حمود، ۱۹۸۴: ۸۷).

ج) در مقاله «اثبات الوصیة مسعودی، صاحب مروج الذهب» چنین بیان شده است: «آیت الله والد مدظله، در ذیل سندی از «الغیبة نعمانی» که با نام علی بن الحسین آغاز شده است، مرقوم داشته اند: «الظاهر أنه علی بن الحسین مسعودی، صاحب اثبات الوصیة و هو غیر صاحب مروج الذهب قطعاً»؛ چرا که ابوالعباس نجاشی به گمان یکی بودن علی بن الحسین مسعودی، دو کتاب «اثبات الوصیة» و «مروج الذهب» را به یک مؤلف نسبت داده است؛ در حالی که دقت در مندرجات این دو کتاب، می رساند این دو نمی تواند تألیف یک مؤلف باشد» (شبییری زنجانی، ۱۳۸۰: ۲۰۱-۲۲۸).

با بررسی روایان ذکر شده در «مروج الذهب» و «اثبات الوصیة»، می توان به این نکته مهم و اساسی رسید که: «هیچ کدام از روایان این دو اثر، در بحث تشیع امامی، حتی از جهت لقب و کنیه نیز همخوان و شبیه نیستند و روایان «مروج الذهب» در مقایسه با روایان «اثبات الوصیة» متفاوت هستند؛ بنابراین با این تفاوت واضح، امکان انتساب این دو اثر به یک نویسنده ممکن نیست؛ زیرا در نوشته های منتسب به یک نویسنده، از یک سلسله راوی یا روایان نزدیک و شبیه به یکدیگر استفاده می گردد؛ در حالی که در «مروج الذهب» و «اثبات الوصیة»، این شباهت دیده نمی شود. پس با نگاه به روایان ذکر شده در «مروج الذهب» و «اثبات الوصیة»، از دو جهت انتساب آن دو کتاب به یک نویسنده، بعید به نظر می رسد:

۱. تفاوت روایان «مروج الذهب» و «اثبات الوصیة» از جهت هویت و شخصیت؛
  ۲. تفاوت در سلسله روایات ذکر شده در این دو کتاب (شبییری زنجانی، ۱۳۸۰: ۲۰۱-۲۲۸).
- بنابراین، با این بیان، هیچ گونه سنخیتی بین «مروج الذهب» و «اثبات الوصیة» وجود ندارد و با عنایت به اینکه «مروج الذهب» از آن مسعودی است که از اهل سنت بودنش قطعی است؛ بنابراین صاحب «اثبات الوصیة» نمی تواند همان مسعودی «مروج الذهب» باشد و بر این اساس، روایات منقول از «اثبات الوصیة» در اثبات مدعا، مخدوش خواهند بود.
- البته تردیدی نیست که مسعودی صاحب «مروج الذهب» از اهل سنت بوده است، با این تفاوت که می توان وی را سنی متشیع که معتقد به افضلیت حضرت علی  $\times$  بوده و مقامات معنوی و باطنی اهل بیت <sup>۸</sup> را باور داشته است، دانست. در صورتی که صاحب «اثبات الوصیة» کاملاً امامی اثنا عشری بوده



است. بنابراین، چاره‌ای جز متعدد بودن علی بن حسین مسعودی نیست. بر این اساس، اسناد متأخر که متکی به اسناد متقدم بودند، غیرقابل استناد می‌شوند و در عهدین نیز مطلبی در راستای اثبات قیام صفورا علیه یوشع یافت نگردید؛ بنابراین دلایل و شواهد کافی برای اثبات شباهت صفورا به عایشه در منابع متقدم وجود ندارد.

از منظر روایی، یکی از روایات مطرح در اثبات مدعا، هم در «اثبات الوصیة» و هم در «کمال الدین و تمام النعمة»، دارای اشکال اساسی است. اشکال موجود در «اثبات الوصیة» این است که به سلسله روایان پرداخته نشده است و اشکال موجود در «کمال الدین و تمام النعمة» از اهل سنت بودن همه روایان و نیز ناشناخته بودن برخی از آنان بوده که سبب خلل در سلسله روایان گردیده است. نکته حائز اهمیت در این زمینه، بیان ستایش‌گرانه کتاب الهی، قرآن کریم است که هر آنچه در آیات الهی آمده بدون استثناء در مدح و حسنات صفورا بوده است و هرگز نکته منفی، ذم و نکوهش درباره این بانو در قرآن نیامده است، ضمن اینکه وی هم دختر پیامبر (حضرت شعیب)، هم همسر پیامبر (حضرت موسی) و هم به عفت و پاکدامنی وی توجه داده شده است. بی‌تردید در تعارض بین بیان کتاب الهی و روایات، اولویت با کتاب خداست و این قاعده‌ای است که در بیان معصومین<sup>۸</sup> هم بدان پرداخته شده است (طبرسی، ۱۴۱۵: ۳۹/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۹/۱؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۳۵۰/۱؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۶۸/۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۶۹/۱).

در یک جمع بندی نهایی:

اولاً: قرآن کریم و عهدین نسبت به حضور صفورا در جنگ سکوت کرده‌اند و شواهدی هم مبنی بر حضورش در جنگ در منابع معتبر یافت نشده است. سکوت قرآن نیز از باب سکوت و بیان نیست. اگر این شخصیت با اوصاف بدی که در برخی روایات توصیف شده وجود داشت، قرآن حتماً بیان می‌کرد. سکوت در این گونه موارد قبیح است؛ چرا که فضای قرآن مثبت است و اصلاً می‌توان ادعا کرد که با توجه به این فضا، قرآن سکوتی ندارد.

ثانیاً: قرآن و عهدین تصریح به موارد ایجابی دارند نه سلبی.

ثالثاً: روایات دال بر حضور در جنگ و مقابله با وصی موسی، از صحت و اتقان لازم برخوردار نیستند.

رابعاً: نسبت دادن این موارد سلبی به کسی که افتخار دختری شعیب پیامبر و همسری یکی از پیامبران اولوالعزم (حضرت موسی) را دارد، تهمت و افتزایی بیش نیست.

با توجه به این نکات، نمی‌توان وجوه مشابهت بین صفورا و عایشه را موجه و قابل قبول دانست و شایسته نیست برای تقویت تفسیر عایشه، تهمت‌هایی را به صفورا نسبت دهیم که در منابع معتبر بدان تصریح نشده است.



## نتیجه گیری

زنان پیامبران به طور عمده نقش تاثیرگذاری در حیات و رسالت پیامبران داشته‌اند و صفورا، همسر حضرت موسی  $\times$ ، نیز از این قاعده مستثنی نیست. قرآن کریم و عهدین (تورات و انجیل) از وی به نیکی یاد کرده‌اند.

واکاوی‌هایی که درباره صفورا در منابع شیعه و اهل سنت انجام شد، بیانگر این است که:

۱. پژوهش در منابع تاریخی و روایی اهل سنت در رابطه با صفورا و قیام وی علیه جانشین حضرت موسی  $\times$  به جهت ایجاد همسانی با عایشه، همسر پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله و سلم)، نشان می‌دهد که مطلبی مستند در جهت اثبات این مدعا وجود ندارد و قابل استنتاج از مستندات تاریخی و روایی اهل سنت نیست.

۲. در منابع روایی شیعه از جمله «حیوة القلوب»، «ریاحین الشریعة»، «کمال الدین و تمام النعمة» و «اثبات الوصیة» نیز این موضوع به تفصیل آمده است، ولی دو منبع اولی به دلیل متأخر بودن، از مآخذ ثانویه بوده و دو منبع بعدی از متقدمین و متعلق به قرن چهارم بوده‌اند و از منابع روایات مورد استفاده محسوب می‌شوند. مسعودی این قضیه را به طور مبسوط آورده است، اما اینکه «اثبات الوصیة» به کدام مسعودی منسوب است، مبهم بوده و اینکه مسعودی از چه منبعی نقل کرده است، معلوم نیست؛ بنابراین قابل استناد نمی‌تواند باشد. همچنین سلسله راویان در «اثبات الوصیة» حذف گردیده و در «کمال الدین و تمام النعمة» هم منتسب به راویان اهل سنت بوده و از حیث رجال شیعی، ناقص می‌باشد؛ بنابراین روایت در جهت اثبات همسانی صفورا و عایشه قابل استناد نمی‌تواند باشد.

از یافته‌ها و آورده‌های مهم، این است که دلیل و سند معتبری که دلالت بر شورش صفورا علیه وصی حضرت موسی  $\times$ ، یوشع بن نون باشد، یافت نگردید. علاوه بر اینکه در قرآن کریم، کتاب وحی الهی، آنچه بیان شده در مدح و ستایش صفورا بوده و اندک ذم و نکوهشی درباره وی بیان نشده است؛ بنابراین وجوه مشابهت صفورا و عایشه منتفی بوده و مقوله همسانی این دو، پنداری بیش نمی‌تواند باشد.





## فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. کتاب مقدس (عهدین)، بی‌جا، انجمن پخش کتب مقدس در میان ملل، ۱۹۹۴م.
۳. کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، تهران: اساطیر، ۱۳۷۹.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبارالرضا(علیه السلام)، مترجم: علی اکبر غفاری، نشر صدوق، تهران، ۱۳۷۲ش.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۶. ابن حجر العسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد، لسان المیزان، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۷. ابن حنبل الشیبانی، ابو عبد الله أحمد(متوفای ۲۴۱هـ)، مسند أحمد بن حنبل، مصر: مؤسسة قرطبة.
۸. ابن عبد ربه، ابو عمر شهاب الدین احمد بن محمد الاندلسی، العقد الفرید، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ق.
۹. ابن غضائری، احمد بن حسین، کتاب الرجال، تحقیق سیدرضا حسینی جلالی، چاپ اول، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۰ش.
۱۰. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن، تحقیق، محمد جعفر یاحقی و مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۱۱. اندلسی، ابن حزم، جمهرة انساب العرب، قاهره: دارالتعارف، بی‌تا.
۱۲. آبراهام کهن، امیرحسین صدری پور و یهودا حی، گنجینه‌ای از تلمود، مترجم: امیر فریدون گرگانی و یهوشوع نتن آلی، تهران: اساطیر، ۱۳۹۰ش.
۱۳. حائری، ابوعلی، منتهی المقال، قم: موسسه آل البيت(علیهم السلام)، ۱۴۱۶ق.
۱۴. حر عاملی، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ش.



١٥. حمود، هادی حسین، منهج المسعودی فی بحث العقائد و الفرق الدينية، بغداد: دارالقادسیه للطباعة، ١٩٨٤م.
١٦. خصیبي، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى. بی جا: مؤسسة البلاغ، ١٤١٩ق.
١٧. خواندمیر، عیث الدین بن همام الدین، تاریخ حبیب السیر، تهران: انتشارات خیام، ١٣٨٠ش.
١٨. خویی، سیدابولقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، قم: دفتر آیه الله العظمی الخوئی، ١٤٠٩ق.
١٩. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه.
٢٠. الذهبي، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز، میزان الاعتدال، بیروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر، ١٣٨٢ق.
٢١. راوندی، سعید بن هبة الله قطب، قصص الانبياء، قم: مكتبة العلامة المجلسی، ١٤٣٠ق.
٢٢. رسولی محلاتی، سید هاشم، تاریخ انبیاء، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ١٣٧٨ش.
٢٣. السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر جلال الدين، اللآلئ المصنوعة في الأحاديث الموضوعة، بیروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٧ق.
٢٤. شبیری زنجانی، سید محمد جواد. «اثبات الوصية مسعودی، صاحب مروج الذهب». فصلنامه انتظار. ش اول، ١٣٨٠ش.
٢٥. شیرازی، علی، زنان نمونه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ١٣٧٨ش.
٢٦. الصديقي الهندي الفتنّي، محمد طاهر بن علي، تذكرة الموضوعات، بیروت: إدارة الطباعة المنيرية، ١٣٤٣ق.
٢٧. صفری فروشانی، نعمت الله، «بررسی دواثر تاریخ نگاری شیخ صدوق (ره)». نشریه نامه تاریخ پژوهان، ١٣٨٦ش. شماره ١٠، ص ٢٠٢-٢٠٣.
٢٨. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه مؤلف، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ١٤١٥ق.
٢٩. طبري، ابو جعفر محمد بن جریر، تاریخ طبري، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه دارالتراث، ١٣٨٧ق.



۳۰. طوسی، محمد بن حسن، العدة فی أصول الفقه، چاپ اول، قم: محمد تقی علاقبندیان، ۱۴۱۷ق.
۳۱. عاطف الزین، سمیح، داستان پیامبران علیهم السلام در قرآن، ترجمه علی چراغی، اول، تهران: ذکر، ۱۳۸۰ش.
۳۲. العسگری، الامام، التفسیر المنسوب الی الامام العسگری \*، قم: مدرسه امام مهدی \*، ۱۴۰۹ق.
۳۳. العیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، مصحح: هاشم رسولی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ش.
۳۴. فتاحی زاده، فتحیه، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش.
۳۵. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، چاپ دوم، تهران: الصدر، ۱۴۱۵ق.
۳۶. قاریان، حسین و محمدرضا جباری. «بررسی انتساب کتاب الوصیه به مسعودی». هفته نامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام. سال شانزدهم. شماره اول. شماره مسلسل ۶۱، ۱۳۹۴ش.
۳۷. قمی، شیخ عباس، فوائد الرضویه. بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، محقق: مهدی آیت‌اللهی، تهران: انتشارات جهان آرا، ۱۳۸۷ش.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۴۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۱. مجلسی، محمدباقر، حیوة القلوب، قم: سرور، ۱۳۸۴ش.
۴۲. محلاتی، ذبیح‌الله، ریاحین الشریعة در ترجمه بانوان دانشمند شیعه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۶ق.
۴۳. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب، تحقیق یوسف اسعد داغر، بیروت: دارالاندلس، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م.
۴۴. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، قم: انصاریان، ۱۳۸۴ش/۱۴۲۶ق.



٤٥. مسعودی، علی بن حسین، ترجمه اثبات الوصیة، مترجم: محمدجواد نجفی، تهران: اسلامیة، بی تا.
٤٦. مزی، یوسف بن زکی، تهذیب الکمال، تحقیق د. بشار عواد معروف، ناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت، الطبعة: الاولى، ١٤٠٠هـ - ١٩٨٠م.
٤٧. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال النجاشی، تحقیق سیدموسی شبیری زنجانی، چاپ ششم، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤١٨ق.
٤٨. الهیثمی، ابوالحسن نور الدین علی بن ابی بکر (متوفای ٨٠٧ هـ)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دار الكتاب العربي، ١٤٠٧ق.
٦٠. یوشع بن نون، دائرة المعارف طهور، بازیابی: ٢ مرداد ١٣٩٧.



## Bibliography

۱. *Quran Karim (The Noble Quran)*.
۲. *Kitāb Muqaddas (Old and New Testament)*, N.p., Anjuman Pakhsh Kutub Muqaddas fi Mīyān Mulal (Society for the Distribution of Holy Books among Nations), ۱۹۹۴ CE.
۳. *Kitāb Muqaddas Ahd 'Atīq wa Ahd Jadīd*, Translated by Fāzil Khān Hamadānī, William Glenn, Henry Merton, Tehran: Asātīr, ۱۳۷۹ SH (۲۰۰۰ CE).
۴. 'Āṭif al-Zayn, Samīḥ, *Dāstān-i Payāmbārān (a.s.) dar Qur'ān (The Story of the Prophets in the Qur'ān)*, Translated by 'Alī Chirāghī, ۱st Edition, Tehran: Zikr, ۱۳۸۰ SH (۲۰۰۱ CE).
۵. Abraham Kohen, Amīr Ḥusayn Ṣadrī Pūr, and Yūḥudā Ḥay, *Ganjīnah-i az Talmūd*, Translated by Amīr Farīdūn Gurgānī and Yehūdāh Natan Ālī, Tehran: Asātīr, ۱۳۹۰ SH (۲۰۱۱ CE).
۶. Abū al-Futūḥ al-Rāzī, Ḥusayn bin 'Alī, *Rawdat al-Janān wa Rūḥ al-Janān fī Tafsīr al-Qur'ān*, Edited by Moḥammad Ja'far Yāḥaqī and Maḥdī Nāṣiḥ, Mashhad: Bunyād Pāyshūhish-hā-yi Islāmī Āstān Quds Raḍawī, ۱۴۰۸ AH (۱۹۸۸ CE).
۷. Al-'Aschārī, Moḥammad bin Mas'ūd, *Tafsīr al-'Aschārī (The Interpretation of al-'Aschārī)*, Edited by Hāshim Rasūlī, Tehran: Maktabat 'Ilmīyah Islāmīyah, ۱۳۸۰ SH (۲۰۰۱ CE).
۸. Al-'Askarī, Imām, *Al-Tafsīr al-Mansūb ilā al-Imām al-'Askarī (a.s.) (The Interpretation Attributed to Imam al-'Askarī)*, Qom: Madrasa Imām Maḥdī (a.s.), ۱۴۰۹ AH (۱۹۸۹ CE).
۹. Al-Dhahabī, Shams al-Dīn Abū 'Abdullāh Moḥammad bin Aḥmad bin 'Uthmān bin Qaymāz, *Mīzān al-'Itidāl (The Scale of Moderatio)*, Beirut: Dār al-Ma'rifah li'l-Ṭibā'ah wa al-Naṣr, ۱۳۸۲ AH (۱۹۶۲ CE).
۱۰. Al-Haythamī, Abū al-Ḥassan Nūr al-Dīn 'Alī bin Abī Bakr (d. ۸۰۷ AH), *Majma' al-Zawā'id wa Manba' al-Fawā'id (The Collection of Superfluous Benefits and the Source of Benefits)*, Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī, ۱۴۰۷ AH (۱۹۸۷ CE).
۱۱. Al-Ṣiddīqī al-Hindī al-Fattanī, Moḥammad Ṭāhir bin 'Alī, *Tadhkira al-Mawḍū'āt (Memoir of Fabricated Reports)*, Beirut: Idārat al-Ṭibā'ah al-Manīriyah, ۱۳۴۳ AH (۱۹۲۵ CE).
۱۲. Al-Suyūṭī, 'Abd al-Raḥmān bin Abī Bakr Jalāl al-Dīn, *Al-Lā'ālī al-Maṣnū'ah fī al-Aḥādīth al-Mawḍū'ah (The Artificial Pearls in the Fabricated Ḥadīths)*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah, ۱۴۱۷ AH (۱۹۹۷ CE).
۱۳. Andalusī, Ibn Ḥazm, *Jamhara Anṣāb al-'Arab (The Genealogy of Arabs)*, Cairo: Dār al-Ta'āruf, n.d.
۱۴. Dehkhodā, 'Alī Akbar, *Lughat-nāmah (The Dictionary)*, n.d.
۱۵. Faiz Kāshānī, Malā Ḥassan, *Tafsīr al-Ṣāfi (The Clear Interpretation)*, Edited by Ḥusayn 'Alamī, ۲nd Edition, Tehran: Al-Ṣadr, ۱۴۱۵ AH (۱۹۹۵ CE).
۱۶. Fatāḥī Zādah, Fatīḥah, *Zan dar Tārīkh wa Andīshah-yi Islāmī (Women in Islamic History and Thought)*, Qom: Maktabat Būstān Kitāb, ۱۳۸۷ SH (۲۰۰۸ CE).
۱۷. Ḥā'irī, Abū 'Alī, *Muntahā al-Maqāl (The End of Expression)*, Qom: Maktabat al-'Ālī al-Bayt (a.s.), ۱۴۱۶ AH (۱۹۹۶ CE).



۱۸. Ḥamūd, Hādī Ḥusayn, *Manhaj al-Mas'ūdī fī Baḥth al-'Aqā'id wa al-Firaq al-Dīnīyah (The Methodology of al-Mas'ūdī in the Study of Beliefs and Religious Sects)*, Baghdad: Dār al-Qadisīyah li'l-Ṭibā'ah, ۱۹۸۴ CE.
۱۹. Ḥurr 'Āmilī, Moḥammad bin al-Ḥassan, *Tafsīl Wasā'il al-Shī'ah ilā Tahṣīl Masā'il al-Shar'īyah (The Detailed Explanation of the Means of the Shi'ah to Attain Religious Issues)*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, ۱۳۹۱ SH (۲۰۱۲ CE).
۲۰. Ibn 'Abd Rabbih, Abū 'Umar Shihāb al-Dīn Aḥmad bin Moḥammad al-Andalusī, *Al-'Aqd al-Farīd*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah, ۱۴۰۴ AH (۱۹۸۴ CE).
۲۱. Ibn Bābawayh, Moḥammad bin 'Alī, *'Uyūn Akhbār al-Riḍā (AS) (The Source of Narrations of Imam Rida)*, Translated by 'Alī Akbar Ghafārī, Nashr Ṣadūq, Tehran, ۱۳۷۲ SH (۱۹۹۳ CE).
۲۲. Ibn Bābawayh, Moḥammad bin 'Alī, *Kamāl al-Dīn wa Tamām al-Ni'mah (The Perfection of Religion and Completeness of Blessings)*, ۲nd Edition, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah, ۱۳۹۰ AH (۱۹۷۰ CE).
۲۳. Ibn Ghaḍā'irī, Aḥmad bin Ḥusayn, *Kitāb al-Rijāl (The Book of the Narrators' Evaluation)*, Edited by Seyyed Riḍā Ḥusaynī Jalālī, ۱st Edition, Qom: Dār al-Ḥadīth, ۱۳۸۰ SH (۲۰۰۱ CE).
۲۴. Ibn Ḥajar al-'Asqalānī, Abū al-Faḍl Aḥmad bin 'Alī bin Moḥammad bin Aḥmad, *Lisān al-Mīzān*, Beirut: Maktabat al-'Ālamī lil-Maṭbū'āt, ۱۳۹۰ AH (۱۹۷۰ CE).
۲۵. Ibn Ḥanbal al-Shaybānī, Abū 'Abdullāh Aḥmad (d. ۲۴۱ AH), *Musnad Aḥmad bin Ḥanbal*, Egypt: Maktabat Qurṭubah, n.d.
۲۶. Khaṣībī, Ḥusayn bin Ḥamdān, *Al-Hidāyah al-Kubrā*, Bījā: Maktabat al-Balāgh, ۱۴۱۹ AH (۱۹۹۸ CE).
۲۷. Khū'ī, Seyyed Abū al-Qāsim, *Mujam Rijāl al-Ḥadīth wa Tafsīl Ṭabaqāt al-Ruwāt (The Dictionary of the Narrators of Ḥadīth and the Detailed Classification of the Narrators)*, Qom: Daftar Āyatullāh al-'Uzmā al-Khū'ī, ۱۴۰۹ AH (۱۹۸۹ CE).
۲۸. Khvāndamīr, 'Iyāḍ al-Dīn bin Ḥammām al-Dīn, *Tārīkh Ḥabīb al-Sīrah (The History of the Beloved Path)*, Tehran: Ketābkhānah-yi Khiyām, ۱۳۸۰ SH (۲۰۰۱ CE).
۲۹. Kulaynī, Moḥammad bin Ya'qūb, *Kāfī*, ۴th Edition, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah, ۱۴۰۷ AH (۱۹۸۷ CE).
۳۰. Kulaynī, Moḥammad bin Ya'qūb, *Uṣūl al-Kāfī (The Principles Section of Kāfī)*, Edited by Maḥdī Āyatullāhī, Tehran: Intishārāt-yi Jahān Arā, ۱۳۸۷ SH (۲۰۰۸ CE).
۳۱. Maḥallātī, Zibihullāh, *Rayāḥīn al-Sharī'ah dar Tarjumah Bānuwān Dāneshmand Shī'ah (The Essence of the Law in Translation of Women Scholars of Shī'ah)*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah, ۱۴۰۶ AH (۱۹۸۶ CE).
۳۲. Majlisī, Moḥammad Bāqir, *Bihār al-Anwār (Seas of Lights)*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, ۱۴۰۳ AH (۱۹۸۳ CE).
۳۳. Majlisī, Moḥammad Bāqir, *Ḥayāt al-Qulūb (The Life of Hearts)*, Qom: Sarūr, ۱۳۸۴ SH (۲۰۰۵ CE).
۳۴. Mas'ūdī, 'Alī bin al-Ḥusayn, *Ithbāt al-Wasīyah (The Proof of the Will)*, Qom: Anṣārīān, ۱۳۸۴ SH / ۱۴۲۶ AH (۲۰۰۵ CE).